

Abstract

The fundamental question in civil litigation since ancient times is whether the judge can also act to discover the truth or whether his role is limited to the season of hostility given the reasons given by the parties.

Interrogation or civil interrogation means questioning the plaintiffs by summoning them personally. Similarly, interrogation in criminal matters can lead to the acquisition of evidence, statistics or confession from the statements of the parties.

At present, the only legal article from which civil interrogation or interrogation can be deduced in Iranian law is Article 199 of the Code of Civil Procedure, which allows the judge to take any action and investigation in order to discover the truth.

Since the interrogation is not explicitly provided for in the codified laws of Iran and has not been explained by the doctrine, it is appropriate that the legislature, like the countries of France and Lebanon, which have precise and clear rules regarding the interrogation, legislate in It is important to take action.

Keywords: truth discovery, civil interrogation, interrogation, investigation of litigants, read question, confession to take action.

بررسی مفهوم استجواب در دادرسی مدنی در حقوق ایران، فرانسه و لبنان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۶

فاطمه محمدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۱

رسول مقصودپور^۲

چکیده:

سوال اساسی که در زمینه ی دادرسی مدنی از قدیم الایام مطرح بوده، این است که آیا دادرس در زمینه ی کشف حقیقت نیز می تواند اقدام کند یا اینکه نقش او منحصر در فصل خصومت با توجه به دلایل ابرازی طرفین است.

استجواب یا بازجویی مدنی به معنای پرسش از اصحاب دعوا با احضار شخصی ایشان، نوعی ترتیب تحقیقی است که در راستای اعطای نقش فعال و پویا به دادرس در مقررات آیین دادرسی مدنی فرانسه، تحت عنوان حضور شخصی اصحاب دعوا و برخی کشورهای عربی تحت عنوان استجواب مقرر شده است و همانند بازجویی در امور کیفری می تواند به حصول قرینه، اماره یا اقرار از اظهارات طرفین منتهی گردد.

در حال حاضر تنها ماده قانونی که از آن می توان بازجویی مدنی یا استجواب را در حقوق ایران استنباط نمود، ماده ی ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی است که به دادرس امکان انجام هر گونه اقدام و تحقیقی را در جهت کشف حقیقت داده است.

چون استجواب به طور صریح در قوانین مدون ایران پیش بینی نشده و توسط دکترین هم مورد شرح و تبیین قرار نگرفته است، لذا شایسته است که قانون گذار همانند کشور های فرانسه و لبنان که مقررات دقیق و روشنی در رابطه با استجواب پیش بینی نموده اند به قانونگذاری در این مهم اقدام نماید.

کلمات کلیدی: کشف حقیقت، بازجویی مدنی، استجواب، تحقیق از اصحاب دعوا، پرسش خوانده، اقرار

^۱ دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران نویسنده مسئول maghsoudpour@gmail.com

در دادرسی کیفری، استنطاق یا بازجویی جزایی، روشی است که در راستای عدالت کیفری و کشف حقیقت در تمام نظام های حقوقی مورد استفاده قرار گرفته است. در حقوق ایران، به خاطر ارتباطی که امور جزایی با نظم عمومی دارد، استنطاق یا بازجویی کیفری مورد پذیرش قانون گذار قرار گرفته است.

برخلاف اینکه در ق.آ.د.م ایران، استجواب یا بازجویی مدنی مورد تصریح قانون گذار قرار نگرفته است اما در حقوق فرانسه و لبنان مورد توجه قانون گذار بوده و به ذکر جزئیات آن پرداخته اند.

در ق.آ.د.م فرانسه، در قانون سابق (مواد ۳۲۴ تا ۳۳۶) و در قانون جدید (مواد ۱۸۴ تا ۱۹۸) تحت عنوان حضور شخصی اصحاب دعوا به ذکر این موضوع پرداخته شده است.

از آنجا که کشورهای عربی تابع سیستم حقوق نگارش شده هستند، تحت تاثیر حقوق فرانسه بوده و در تدوین قوانین، علی الخصوص در زمینه دادرسی مدنی از حقوق کشور فرانسه الهام گرفته اند.

به همین خاطر، مقررات مبحث استجواب در مقررات این کشورها، عمدتاً از مبحث حضور شخصی اصحاب دعوا در ق.آ.د.م فرانسه اقتباس شده است.

قانون اصول محاکمات مدنی لبنان، فصل دوم از باب سوم شامل دو قسمت تحت عنوان (الافرارواستجواب الخصوم) است. قانون گذار در قسمت اول «مواد ۲۱۰ تا ۲۱۷» به تبیین مقررات اقرا و در قسمت دوم «مواد ۲۱۸ تا ۲۳۴» به تبیین مقررات استجواب پرداخته است.

در حقوق ایران، قانون گذار در ماده ۵۷ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰، توجه ویژه ای به قاعده منع تحصیل دلیل نموده بود، که مجدداً همین قاعده با تصویب ماده ۶۳ قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۰۹ مورد تاکید قرار گرفت. اما با تصویب ماده ۳۵۸ ق.آ.د.م ۱۳۱۸، از شدت این قاعده کاسته شده است. سال ۱۳۵۶ با تصویب ماده ۸ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری قاعده منع تحصیل دلیل نسخ ضمنی شده و در حال حاضر ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م ایران، هرگونه تحقیق یا اقدام لازم برای کشف حقیقت را به موازات دلایل استنادی اصحاب دعوا در دادرسی مدنی تجویز نموده است.

اصلی ترین دغدغه و نگرانی برخی از حقوق دانان در این زمینه، این است که با تفسیر موسع ماده ۱۹۹، در واقع دادرسی به جای کشف حقیقت، تحصیل دلیل کند و در نتیجه دادرسی به صورت عادلانه و بی طرفانه صورت نگیرد. و همین باعث شده که برخی در رویه قضایی و حتی دکترین با دید مخالف و یا تردید به این نهاد تحقیقی نگریسته و اصل بنیادین بی طرفی دادرسی را با قاعده ی منع تحصیل دلیل و استجواب خلط نمایند.

۱- مفهوم لغوی استجواب:

واژه استجواب در علم سیاست از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در یکی از فرهنگ ها^۱ استجواب را مصدری می دانند که در علم سیاست به معنای استيضاح و پرسش یکی از نمایندگان مجلس شورا یا سنا از وزیر یا دولت در باره ی مطلبی در جلسه رسمی مجلسین می باشد.

در علم حقوق، استجواب را نوعی اقدام تحقیقی تعریف کرده اند که دادرس به احضار طرفین دعوا، برای پرسش و پاسخ در جهت کشف حقیقت و در راستای نیل به عدالت می پردازد.

۲- اوصاف و ویژگی های استجواب:

استجواب هر چند به عنوان یک روش تحقیقی شناخته شده است اما دارای ویژگی های منحصر به فردی است که آن را از سایر روش های تحقیقی و احراز می تمایز می کند. از جمله اینکه استجواب دلیلی اقناعی یا اخلاقی است که هر چند تکمیلی است اما برای دادگاه نوعی تکلیف در جهت کشف حقیقت ایجاد می کند.

دلیل اقناعی یا اخلاقی، بدین معناست که؛ دادرس بدون هیچ قید و بندی و براساس واکنش های وجدان خویش به اداره و ارزیابی امور پرداخته تا در نهایت وجدانش قانع گردد.^۲

قانون گذار فرانسه در ماده ۱۰ ق.آ.د.م مقرر کرده است که «دادرس قادر است راسا انجام هرگونه ترتیب تحقیقی قابل پذیرش را دستور دهد». در نتیجه استجواب در حقوق فرانسه به عنوان یک اصل در دادرسی مدنی شناخته شده است. امروزه کشورهای عربی با الهام از حقوق فرانسه در جهت نزدیک کردن حقیقت قضایی به حقیقت واقعی برآمده و در نتیجه نظام ادله ی این کشورها بیشتر به سمت نظام اخلاقی یا اقناعی گرایش پیدا کرده که حاصل آن وضع قوانین در رابطه با نهادهای تحقیقی و بازجویی برای دادرسان بوده است.

در حقوق ایران نیز با تصویب ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۷۹ به نظر می رسد که قانون گذار در جهت تعدیل نظام دادرسی اتهامی و حرکت به سمت ادله ی اخلاقی یا اقناعی نموده است.

ادله ی تکمیلی به دلایلی گفته می شود که قائم به ذات خود نبوده و دلایل دیگر را تکمیل می نمایند.^۳

در حقوق کشور لبنان از آنجا که مقررات استجواب در فصل هشتم از باب سوم تحت عنوان الاقرار واستجواب الخصوم آمده است بیانگر این مطلب است که استجواب بیشتر جهت حصول اقرار و بیان نکات مبهم اقرار است که این خود نشان دهنده ی تکمیلی بودن این ادله است.

۱ - فرهنگ عربی فارسی، ترجمه کتاب المعجم العربی (تالیف خلیل جر)، ترجمه حمید طیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵-۱۳۶۳

۲ - الیاس ابو عید، اصول المحاکمات المدنیة، الجزء الثانی، منشورات الحلبي الحقوقی، لبنان، طبعه الاولى، ص ۴۷۸

۳ - کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد ۱، نشر میزان، چاپ چهارم ۱۳۸۵، ص ۲۵

در حقوق ایران، قانون گذار در ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م مقرر کرده که «...دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی...» که عبارت علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین می تواند قرینه ای بر توجه قانون گذار به تکمیلی بودن استجواب باشد.

۳- شرایط استجواب: شرایط اعتبار استجواب یا بازجویی مدنی از طریق حضور شخصی اصحاب دعوا را می توان به سه رکن تقسیم نمود.

الف) رکن پرسش خواه: منظور شخص یا مقامی است که حق پرسش یا حق در خواست آن را دارد.

ب) رکن پرسش خوانده: پرسش خوانده، شخصی است که به منظور پاسخ خواهی فراخوانده می شود.

ج) رکن پرسش خواسته: منظور امری است که موضوع استجواب قرار می گیرد.

الف) شرایط پرسش خواه: پرسش خواه، شخص یا مقامی است که حق پرسش یا حق در خواست آن را دارد که ممکن است این شخص، یکی از اصحاب دعوا باشد یا اینکه دادگاه در مقام پرسش خواهی از طرفین دعوا قرار بگیرد.

۱-۱- دادگاه به عنوان پرسش خواه: قانون گذار فرانسه با تصویب ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م به دادگاه این اختیار راداده که راسا به احضار شخصی اصحاب دعوا جهت استجواب بپردازد.

در لبنان نیز قانون گذار با تاسیس نهاد استجواب الخصوم و ماده ۱۲۸ قانون اصول محاکمات مدنی حق احضار اصحاب دعوا و استجواب را علاوه بر اصحاب دعوا برای دادرس نیز به رسمیت شناخته است. درعین حال بعضی از نویسندگان عرب، این حق را به طور انحصاری مختص به دادگاه دانسته اند.^۴

در حقوق ایران، قانونگذار با تصویب ماده ۹۴ ق.آ.د.م این حق را برای دادرس قائل شده است که در مواردی که حضور شخصی خواهان یا خوانده را لازم بداند به احضار شخصی آن ها بپردازد. از طرف دیگر با تصویب ماده ۱۹۹ این تکلیف را برای دادگاه ایجاد کرده که تحقیقات و اقدامات لازم را جهت کشف حقیقت انجام دهد، در نتیجه طبق این نصوص قانونی باید گفت که در حقوق ایران نیز دادگاه این حق را دارد که علاوه بر اصحاب دعوا، در صورت لزوم و بنا به تشخیص خود به احضار طرفین دعوا و استجواب از آن ها بپردازد.

۲-۱- اصحاب دعوا به عنوان پرسش خواه: قانون گذار ایران با تصویب ماده ۸ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری در سال ۱۳۵۶ و نیز ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۷۹ اختیارات وسیع و گسترده ای به دادگاه در زمینه تحقیقات در صورت لزوم و به صلاحدید خود دادرس داده است، بدیهی به نظر می رسد که وقتی قانون گذار چنین حقی را برای دادگاه قائل است، اصحاب دعوا نیز از چنین حقی برخوردار باشند اما با این وجود در ماده ۸ قانون مذکور، قانون گذار تاکید نموده که چنانچه برای دادگاه معلوم باشد که استناد یا حق در خواست استجواب از دادگاه در

۴- «الاستجواب تدبیر تحقیقی يلجا اليه القاضي عن طريق دعوه الخصوم للحضور امامه و سوالهم او استيضاحهم حول وقایع القضیه»، الدكتور الیاس ابو عید، همان، ص ۴۷۸

مباحث حقوقی فقط برای اصحاب دعوا است و در خصوص اشخاص ثالث چنین حقی فقط در صورتی امکان پذیر است که اشخاص ثالث در حکم اصحاب دعوا باشند مثل مجلوب ثالث که در حکم خوانده و جالب ثالث که در حکم خواهان دعوا هستند.

در کشور لبنان به استناد ماده ۲۱۸ اصحاب دعوا حق در خواست استجواب را دارند، برخلاف تصریح قانون گذار لبنان، قانون آ.د.م فرانسه در این مورد ساکت است.

ب) **شرایط پرسش خوانده:** اصولاً پرسش خوانده یکی از طرفین دعواست که برای استجواب به محکمه ی حقوقی احضار می شود، هرچند که منظور از طرفین دعوا، خواهان و خوانده است اما چون وارد ثالث و مجلوب ثالث نیز در زمره ی اصحاب دعوا محسوب می شوند و حسب مورد احکام خواهان و خوانده بر آن ها جاری خواهد شد، آن ها هم می توانند مورد استجواب قرار بگیرند.

شخص پرسش خوانده حسب مورد ممکن است شخص حقیقی باشد یا شخص حقوقی.

۱-۲- **شرایط اشخاص حقیقی به عنوان پرسش خوانده:** اشخاص حقیقی که برای پرسش خواهی به محکمه فراخوانده می شوند باید دارای دو شرط اهلیت و جواز تصرف باشند.

الف) اهلیت: شخص حقیقی که برای استجواب احضار می شود باید اهلیت داشته باشد. دلیل اهمیت اهلیت این است که در بهترین حالت، نتیجه ی استجواب، حصول اقرار است و این اقرار دارای آثاری است که طرفین دعوا خواهان مطالبه ی آن هستند و در صورت عدم اهلیت یکی از اصحاب دعوا، استجواب از ولی یا نماینده ی او به عمل می آید.

قانون گذار لبنان در ماده ۲۲۱ ق.ا.م.م لبنان به شرط اهلیت اشاره نموده و بیان کرده که در صورت عدم اهلیت یکی از اصحاب دعوا، استجواب از ولی یا نماینده ی قانونی او به عمل آید و همین مقرر به دادگاه اجازه داده است که از صغیر ممیز در اموری که ماذون به آن است، استجواب نماید.^۵

در حقوق ایران، به خاطر سکوت قانون گذار در این زمینه و باتوجه به اینکه استجواب در بهترین حالت به حصول اقرار منتهی می شود، لذا شرایط مقرر را که باید عاقل، بالغ، مختار و قاصد باشد را در مورد شرایط پرسش خوانده نیز جاری می دانند. بر همین اساس استجواب از صغیر و مجنون در حالت دیوانگی جایز نیست.

در خصوص اینکه آیا صغیر ممیز را می توان برای استجواب احضار نمود، دو نظریه وجود دارد:

۵- «إذا كان الخصم عديم الاهلية اوناقها، جاز استجواب من ينوب عنه، و جاز للمحكمة مناقشه الخصم بالذات ان كان مميزا في الامور الماذون بها...»

نظریه اول: عده ای از حقوق دانان معتقدند که اقرار صغیر ممیز دراموری که می تواند تصرف مالی کند نظیر قبول هبه و صلح رایگان نافذ و صحیح می باشد.^۶

نظریه دوم: عده ی دیگری از حقوق دانان، به استناد ماده ۱۲۶۲ ق.م و اطلاق این ماده، بیان داشته اند که اقرار صغیر ممیز در هیچ حالتی صحیح نیست، هرچند در باره ی امری باشد که به حکم قانون در اختیار و صلاحیت او قرار گرفته باشد.^۷ به نظر می رسد که نظر نخست، صحیح تر و دقیق تر می باشد.

(ب) جواز تصرف:

به طور کلی در حقوق کشورهای عربی، یکی از شرط های پرسش خواننده را اهلیت تصرف در حق متنازع فیه ذکر کرده اند. در حقوق ایران، برخی از حقوق دانان^۸ بیان داشته اند که افزودن این شرط، دو نتیجه ی مهم در بر دارد، اول اینکه، شخص ورشکسته هر چند که محجور نیست اما به خاطر حمایت از حقوق طلبکاران، از تصرف در درایی خود ممنوع است.

دوم اینکه، قاعده ای برای تمیز اقرار موثر فراهم شده است. به عبارت دیگر، هرکس مالک چیزی است، مالک اقرار به آن نیز هست و در نتیجه نسبت به آن می تواند اقرار کند.

۲-۲- شرایط اشخاص حقوقی به عنوان پرسش خواننده:

قانون گذار ایران در خصوص اقرار اشخاص حقوقی تصریحی ندارد تا از آن در مورد استجواب از اشخاص حقوقی استفاده کنیم. اما دکترین حقوقی در این زمینه ساکت نبوده و به بیان نظریات مختلف پرداخته اند.

یکی از نظریات مطروحه این است که در صورت عدم رعایت تشریفات اداری، اقرار نمایندگان سازمان های دولتی و بلدی موثر نیست مگر اینکه، مقررات مربوط به این سازمان ها، چنین حقی را برای نمایندگان آن ها به رسمیت شناخته باشد.^۹

قائلین به این نظر در خصوص اقرار نمایندگان شرکت های بازرگانی بیان داشته اند که مدیر شرکت در چهارچوب حقوق و اختیاراتی که در اداره ی شرکت دارد، قادر به اقرار است و چنین اقراری به زیان شرکت نافذ می باشد.

^۶ - امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، ج ۶، چاپ سیزدهم، تهران ۱۳۷۶، ص ۳۰ - کریمی، عباس، ادله اثبات دعوا، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۷۰

^۷ - لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف علوم اسلامی قضایی، نشر گنج دانش، ج ۲، چاپ سوم ۱۳۸۱، ص ۵۶۴

^۸ - کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، صص ۲۰۸ و ۲۰۹

^۹ - دولتشاهی، فتح الله، اقرار در حقوق مدنی ایران، صص ۱۷۸ الی ۸۱

نظر دیگری که در این زمینه بیان شده است، این است که مطابق قاعده ی فقهی «من ملک شیا ملک اقرار به» و «من ملک الانشاء، ملک الاخبار» نماینده ی اشخاص حقوقی در چارچوب اختیارات تفویضی به وی، ملزم به اقرار خود است.^{۱۰} بنابراین با توجه به نظریات فوق، می توان گفت که استجواب از نمایندگان اشخاص حقوقی در حدود اختیاراتی که به آن ها داده شده، معتبر است و هر نتیجه ای که از آن به دست آید اعم از اماره، اقرار و قزینه ی قضایی، به زیان این اشخاص حجت است.

قانون گذار فرانسه با تصویب قسمت دوم ماده ۱۹۷ ق.آ.د.م، بیان داشته دادرسی می تواند اشخاص حقوقی را با دعوت از نمایندگان آن ها احضار کند و از او راجع به امور موضوعی خاص شخص او و امور موضوعی که ممکن است به مناسبت سمت خود از آن مطلع باشد استجواب کند.

ماده ۲۲۱ قانون ا.م.م. لبنان^{۱۱} مقرر می دارد: «...اشخاص معنوی می توانند نماینده ی قانونی خود را برای استجواب بفرستند. استجواب از نمایندگان قانونی طرف دعوا در مورد کارهایی که در گذشته انجام داده اند و یا از آن مطلع اند جایز است».

ج) شرایط پرسش خواسته : منظور از پرسش خواسته امور موضوعی است که مورد استجواب قرار می گیرد. پرسش خواسته باید دارای دو شرط اساسی باشد که عموماً ناظر بر امور قابل اثبات است. در ذیل به ذکر و بررسی شرایط حاکم بر پرسش خواسته می پردازیم.

۱- قابلیت انتساب به پرسش خوانده

۲- مربوط بودن پرسش خواسته به دعوا

۳- موثر بودن پرسش خواسته در تصمیم دادگاه

۱-۳- قابلیت انتساب به پرسش خوانده : از شرایط اساسی پرسش خواسته، این است که منتسب به شخصی باشد که برای استجواب احضار می شود؛ چرا که منظور از استجواب، احراز وقایع بین اصحاب دعواست.^{۱۲}

در حقوق ایران با توجه به بند ۴ ماده ۸۴ ق.آ.د.م یکی از شرایط اقامه ی دعوا، توجه ی آن به خوانده ی دعواست که به تبع آن، امور و وقایع قابل اثبات نیز باید متوجه و منتسب به خوانده باشد.

۱۰- کاتوزیان، ناصر، همان، جلد ۱، ص ۲۰۹

۱۱- «يجوز بالنسبه الى الاشخاص المعنويين توجيه الاستجواب الى من يمثلهم قانونا»

۱۲- العبودی، عباس، شرح الاحكام الاثبات المدنی، ص ۲۲۷

در این مورد برخی از حقوقدانان عرب نظری متفاوت داشته و دایره ی استجواب را در هر امر شخصی که قابل انتساب به پرسش خوانده باشد قابل اعمال می دانند.^{۱۳}

منظور از شرط قابلیت انتساب به پرسش خواسته در اشخاص حقوقی، اموری است که قابلیت انتساب به شخص حقوقی را دارند نه شخص حقیقی که به نمایندگی از شخص حقوقی احضار می شود.^{۱۴}

۲-۳- مربوط بودن پرسش خواسته به دعوا: این شرط از شرایط عمومی کلیه طرق اثبات دعواست. امری که قرار است بواسطه استجواب اثبات شود باید چنان ارتباطی با موضوع دعوا داشته باشد، که دادگاه بتواند به طور منطقی از احراز آن تحقق موضوع ادعا را استنتاج کند. در غیر این صورت چون احراز این امر سودی در روند رسیدگی ندارد، در خواست استجواب رد خواهد شد.^{۱۵}

ماده ی ۲۲۰ ق.ا.م.لبنان، شرط مربوط بودن پرسش خواسته به دعوا را جزء شرایط استجواب عنوان نموده و بیان داشته «هرگاه دادگاه مشاهده کند که قضیه نیاز به استجواب ندارد یا وقایعی که برای استجواب از طرف، در نظر گرفته شده نتیجه بخش نبوده یا پذیرش این امور از نظر قانونی جایز نیست، درخواست استجواب را رد می کند».^{۱۶}

۳-۳- موثر بودن پرسش خواسته در تصمیم دادگاه:

موثر بودن پرسش خواسته در تصمیم دادگاه به این معناست که اگر پرسش خواسته در نتیجه ی استجواب به اثبات رسید، دادگاه بتواند براساس آن اتخاذ تصمیم نماید. بنابراین امری که احراز یا عدم احراز آن در تصمیم دادگاه راجع به آن دعوا تاثیر نداشته باشد، مورد تحقیق و پرسش از سوی دادگاه قرار نخواهد گرفت.

ماده ۲۰۰ ق.آ.د.م ایران بیانگر قاعده ی مهم «لزوم محدود ساختن اثبات» به امری است که موثر در سرنوشت دعوا و حکم دادگاه است.

در قانون لبنان، این شرط از شرایط عمومی است که شامل کلیه ی طرق اثبات می گردد. (ماده ۲۲۰ ق.ا.م.لبنان)

۴- آیین استجواب:

شیوه ی صدور و ابلاغ تصمیمات راجع به استجواب، نحوه ی قبول درخواست و رد آن و همچنین اجرای استجواب نیازمند آداب و تشریفات قاعده مند و منطبق بر اصول دادرسی است.

۱۳- «قد ذهبوا الی انه يجوز استجواب الخصم عن ای واقعه شخصیه له ولو كانت جناییه او مخالف للاداب»^{۱۳} لشرابی، عبدالحمید، تعلیق الموضوعی علی قانون الاثبات، منشاء المعارف بالاسکندریه، مصر ۲۰۰۱، ص ۸۶۹

۱۴- همان، ص ۸۶۹

۱۵- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، انتشارات دراک، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷، ص ۹۴.

۱۶- «إذا رات المحکمه ان القضیه لاتحتاج الی استجواب او ان الوقایع التی یراد استجواب الخصم عنها غیر منتجه او غیر جایز الاثبات رفضت طلب الاستجواب».

آیین و شیوه ی استجواب در دادگاهها به دو قسمت آیین عمومی و آیین ویژه استجواب تقسیم می شود.

۴-۱- آیین عمومی استجواب: تصمیمات دادگاه باید در قالب های قانونی و از انضباط لازم برخوردار باشد. این امر مستلزم رعایت آیین و تشریفات مربوط به صدور، تنظیم، ابلاغ و دیگر تشریفات راجع به تصمیمات دادرسی است. در این قسمت به بررسی آیین و تشریفات عمومی استجواب که رعایت آن در هر دادرسی لازم و ضروریست می پردازیم.

الف) لزوم صدور قرار جهت استجواب:

محکمه حقوقی ممکن است تا قبل از ختم دادرسی، تصمیمات مقدماتی که عمدتاً در قالب قرار می باشند، صادر کند تا زمینه را برای صدور حکم مهیا نماید. تصمیمات راجع به استجواب نیز از جمله تصمیماتی است که باید در قالب «قرار حضور شخصی» صادر گردد.

در حقوق ایران، از مفهوم ماده ی ۹۴ق.آ.د.م و وحدت ملاک ماده ۹۵ ناظر براه توضح، ضرورت صدور قرار، جهت استجواب استنباط می شود.

قانون گذار لبنان در ماده ۲۱۸ق.ا.م.م مستند و مستدل بودن قرار استجواب را متذکر شده است. هم چنین در مورد ضرورت ابلاغ قرار استجواب ماده ۲۲۳ق.ا.م.م لبنان^{۱۷} مقرر می دارد «تصمیم به استجواب باید قبل از موعد معین یا حداقل سه روز قبل از آن، به شخصی که قرار است از وی استجواب به عمل آید ابلاغ گردد مگر اینکه، شخص فراخوانده شده در جلسه حاضر باشد و فوراً استجواب را قبول کند و یا در قضیه عجله ی زیادی باشد».

باتوجه به اینکه قرار استجواب از نسخ قرارهای اعدادی است و زمینه را جهت صدور رای قاطع مهیا می کند؛ بنابراین به نظر می رسد هرگاه موضوعی که برای تشخیص آن قرار اعدادی صادر شده، بعد از صدور قرار به طریق دیگری احراز، یا به طور کلی منتفی شود، قرار صادره قابل عدول است.^{۱۸}

باید توجه داشت عدول از قرار های اعدادی از جمله استجواب باید مستدل و مبتنی بر اسباب موجه باشد، در غیر این صورت، عمل دادرسی تخلف محسوب می گردد.

حقوق دانان عرب نیز، ضمن اعتقاد به امکان عدول از قرار استجواب، ذکر اسباب و دلایل عدول را لازم دانسته اند.^{۱۹}

۱- محدودده ی زمانی استجواب:

^{۱۷} - «یبلغ القرار بالاستجواب الی من تقرر استجوابه قبل الموعد المعین لحضوره بثلاثه ایام علی الاقل الا اذا کان حاضراً فی جلسه المحاکم ویقبل باستجوابه فوراً او کان فی القضیه عجله القصوی».

^{۱۸} - شمس، عبدالله، همان، ص ۲۳۶

^{۱۹} - الشورابی، عبدالحمید، همان، ص ۸۶۹

سوال اساسی و مهمی که در این قسمت بوجود می آید این است که تا چه زمانی از مقاطع و مراحل دادرسی می توان درخواست استجواب نمود؟

برخی از حقوق دانان معتقدند که مطابق بند ۶ ماده ۵۱ ق.آ.د.م خواهان باید در زمان تقدیم دادخواست کلیه اسناد و ادله ی خود را پیوست دادخواست نماید و در صورت عدم انجام این تکلیف، ضمانت اجرای آن، عدم پذیرش دلایلی است که بعدا ارائه و اقامه می گردد.^{۲۰}

اما باید توجه داشت که محدوده زمانی اقامه ی دلایل مذکور در بند ۶ ماده ۵۱ شامل ادله ی تحقیقی نمی شود و این ادله از مرحله ی نخستین رسیدگی تا مقطع ختم دادرسی قابل استناد و ترتیب اثر می باشند.^{۲۱}

در خصوص امکان درخواست استجواب در مرحله ی تجدید نظر، به نظر می رسد با توجه به اینکه تجدیدنظر خواهی به معنای رسیدگی ماهوی دوباره است. بنابراین فقط طرح ادعای جدید در این مرحله ممنوع است و اقامه ی ادله ی جدید در راستای جهات تجدیدنظر خواهی ممنوع نمی باشد. چون استجواب یک دلیل تحقیقی است، چه بسا، قضات تجدید نظر تحقیقات مرحله ی بدوی را در موردی خاص مجمل دیده و موضوع را نیازمند تحقیقات بیشتر و یا استجواب از اصحاب دعوا بدانند، که در این صورت با صدور قرار احضار شخصی، اقدام به استجواب از آن ها نمایند.

ماده ۲۱۸ ق.ا.م.م لبنان مقرر می دارد «برادگاه است که در هریک از مراحل دادرسی ...هریک از طرفین دعوا را به صورت علنی یا در اتاق بازجویی، به پرسش بگیرد».^{۲۲}

در خصوص امکان استجواب در مرحله ی فرجام خواهی، به نظر می رسد که با توجه به اینکه در مرحله ی فرجام، رسیدگی شکلی است و جلسه ی دادرسی به کیفیت مراحل بدوی و تجدید نظر مطرح نیست، لذا امکان استجواب در این مرحله امکان پذیر نیست.

اما از آنجا که یکی از جهات فرجام خواهی نقض تحقیقات یا عدم توجه به مدافعات طرفین می باشد (بند ۵ ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م) دیوان عالی کشور، می تواند در مواردی که اقتضای انجام تحقیقات از اصحاب دعوا را می نموده، لیکن دادگاه تالی این تحقیقات را انجام نداده است، رای صادره را نقض و جهت انجام آن تحقیقات، موضوع را به همان شعبه ارجاع نماید. (بند ۵ ماده ۳۷۱ و بند الف ماده ۴۰۱ ق.آ.د.م)

در مورد اینکه آیا استجواب می تواند از جهات اعاده دادرسی یا اعتراض ثالث باشد؟ باید گفت، با توجه به اینکه این دو از طرق فوق العاده اعتراض به آراء هستند و از طرفی، هیچ یک از جهات مطرح شده در ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م مشمول استجواب نمی گردد. لذا امکان اجرای استجواب به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی و یا دلیلی برای اعتراض ثالث نمی باشد.

۲۰- کریمی، عباس آیین دادرسی مدنی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۴۶

۲۱- الشورابی، عبدالحمید، همان، ص ۸۶۸

۲۲- «للمحکمه فی ایه مرحله من مراحل المحاکمه...لاستجوابهم فی جلسه علنیه او فی غرفه المذاکره...».

قاعده ی مندرج در مواد ۲۰۰، ۲۲۴، ۲۴۵، ۲۵۰ در مورد استجواب نیز صحیح بوده و باید گفت که اصولاً استجواب باید در جلسه دادگاه به عمل آید و در صورتی که پرسش خوانده به دلیل عذری مشروع قادر به حضور در دادگاه نباشد، با وحدت ملاک از مواد فوق دادگاه می تواند توسط یکی از قضات خود، استجواب را در منزل یا محل کار پرسش خوانده معذور انجام دهد. و همچنین در صورتی که شخص پرسش خوانده در حوزه قضایی دیگر غیر از مقر دادگاه باشد می تواند استجواب را از طریق نیابت قضایی انجام دهد.

حقوق لبنان، انجام استجواب را در جلسه دادگاه لازم دانسته است^{۲۳}، لیکن در موارد معذور بودن پرسش خوانده، نیابت جهت استجواب را در محل حضورش پذیرفته است.^{۲۴}

ب) لزوم تنظیم صورت مجلس:

سوالات و پاسخ های اصحاب دعوا ممکن است که به حصول اقرار یا قرائن مفید منتهی شود. به همین خاطر، لازم است دادگاه در جلسه ی استجواب همانند سایر اقدامات تحقیقی اقدام به تنظیم صورت مجلس نماید.

در قانون آ.د.م ایران، نصی راجع به شیوه و ترتیب تنظیم صورت جلسات دادگاه پیش بینی نشده است. برخلاف امور مدنی، ماده ۱۵۸ ق.آ.د.ک لزوم تنظیم صورت مجلس را متذکر شده است. برخی نویسندگان رعایت ماده ۱۵۸ ق.آ.د.ک را در امور مدنی نیز لازم دانسته اند.^{۲۵}

با وجود این لزوم تنظیم صورت مجلس از اظهارات طرفین دعوا را از ماده ۱۰۲ ق.آ.د.م نیز می توان استنباط نمود.

لزوم تنظیم صورت مجلس برای استجواب در ماده ۲۳۱ ق.آ.م.م. لبنان پیش بینی شده است، در این ماده قانون گذار مقرر می دارد «از سوال و جواب های به عمل آمده در جلسه استجواب، صورت مجلس تنظیم می شود... هرگاه شخص پرسش خوانده از دادن جواب امتناع کند یا صورت مجلس را امضاء نکند، امتناع و دلیل آن ذکر می شود».^{۲۶}

دادگاه علاوه بر ذکر سوال و جواب های مطروحه در صورت مجلس جلسه ی استجواب، مکلف است که خلاصه ای از آن ها را در رای خود نیز ذکر کند.

^{۲۳}- ماده ۲۱۸ قانون اصول محاکمات لبنان «للمحکمه فی ایه مرحله من مراحل المحاکمه... لاستجوابهم فی جلسه علنیه او فی غرفه المذاکره...».

^{۲۴}- ماده ۲۲۴ قانون اصول محاکمات مدنی لبنان «اذا كان الخصم عذر یمنعه من الحضور بنفسه امام المحکمه للاستجواب جاز للمحکمه ان تنتدب احد قضاتها لاستجوابه بحضور الخصم الاخر»

^{۲۵}- شمس، عبدالله، همان، جلد ۲، ص ۱۴۱

^{۲۶}- «ینظم محضر بالاسئله المطروحه والاجوبه... اذا متنع المستجوب عن الاجابه او عن التوقيع ذکر فی المحضرا متناعه وسببه».

هرچند تنظیم صورت مجلس یک اصل ضروری است، اما این اصل ضروری در یک مورد در نظام حقوقی فرانسه با استثناء مواجه شده است و آن وقتی است که رای دادگاه بدوی قطعی و غیر قابل تجدید نظر باشد، که در این صورت دادگاه باید مراتب استجواب را فقط در رای ذکر کند.

۵-آیین ویژه استجواب:

چون جلسه ی استجواب به عنوان یکی از جلسات دادرسی محسوب می شود، در آن رعایت آداب و تشریفات قانونی جهت رسیدگی ضروری است. اما صرف نظر از این تشریفات، اجرا و انجام استجواب نیز نیازمند تشریفات خاصی است، از قبیل لزوم حضور شخصی اصحاب دعوا، چگونگی طرح پرسش و پاسخ و مواجهه پرسش خواننده با پرسش خواه و اشخاص دیگر غیر از اصحاب دعوا در صورت لزوم.

۵-۱- لزوم حضور شخصی اصحاب دعوا:

دکترین علم حقوق، علت حضور شخص پرسش خواننده را، رویارویی پرسش خواننده با واقعیات و تحت تاثیر قرارگرفتن او از فضای دادگاه و در نتیجه بیان حقایق ذکر کرده اند.^{۲۷}

قانون آ.د.م فرانسه در ماده ۱۹۱ مقرر نموده است که «طرفین باید بی آنکه از روی یک نوشته بخوانند، شخصا به پرسش های مطروحه پاسخ دهند».

ماده ۲۳۰ ق.ا.م.م لبنان در این زمینه بیان می دارد «طرف دعوایی که مورد استجواب قرار گرفته، خودش به سوالات مطرح شده جواب می دهد، بدون اینکه بخواهد بنویسد».

در حقوق ایران ماده ۹۳ ق.آ.د.م به طرفین دعوا این اختیار را داده است که در جلسه دادرسی حضور یافته یا لایحه بفرستند. بر طبق این قاعده حضور شخصی اصحاب دعوا الزامی نیست اما باید توجه داشت که این اختیار همیشگی نیست و در صورتی که دادگاه حضور اصحاب دعوا یا یکی از آن ها را جهت استجواب ضروری بداند با قید، حضور شخصی آن ها در اختاریه، آن ها مکلف به حضور در جلسه ی دادگاه هستند.^{۲۸}

۵-۲- چگونگی طرح سوالات و مطالبه ی پاسخ:

لزوم جلوگیری از اطاله دادرسی و طرح سوالات نا مرتبط با روند رسیدگی ایجاب می کند که اصحاب دعوا سوالات خود را با اجازه ی دادگاه و به وسیله ی او از طرف دیگر بپرسند.

هرچند در این خصوص در حقوق ایران مقرره ای وجود ندارد اما با وحدک ملاک از ماده ۲۲۸ ق.آ.د.م که بیان می دارد اصحاب دعوا پس از ادای گواهی، می توانند توسط دادگاه سوالاتی را که مربوط به دعوا می باشد از گواه به عمل آورند، می توان این مقرره را در حقوق ایران جاری دانست.

^{۲۷} -العبودی، عباس، شرح الاحکام قانون البینات الجدید، نشر دارالثقافه، طبعه الاولی ۲۰۰۴، ص ۲۰۵

^{۲۸} -شمس، عبدالله، همان، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۱

ماده ۲۲۹ ق.ا.م.م. لبنان بیان داشته «رییس دادگاه یا قاضی نایب باید سوالات موضوع پاسخ خواهی را بپرسند، همچنین سوالاتی که به نظرش مفید است و یا اینکه طرف دیگر دعوا از او می خواهد که از طرف دیگر بپرسد».

در خصوص اینکه آیا لازم است که سوالات موضوع استجواب از قبل به پرسش خواننده ابلاغ شود یاخیر؟ باید گفت که در حقوق لبنان، ضمن پیش بینی ابلاغ قرار استجواب، در مورد ابلاغ سوالات به پرسش خواننده، مقرر شده است که پرسش خواننده ابلاغ کند تا او آمادگی پاسخ به سوالات را در جلسه دادگاه داشته باشد.^{۲۹}

قانون آ.د.م سابق فرانسه با پیش بینی استنطاق به دوشیوه علنی و سری، ابلاغ سوالات را در استنطاق سری لازم می دانست.

در ایران، برخی از حقوقدانان با وحدت ملاک از مقررات مربوط به شهادت که بیان می دارد گواهان نمی توانند از روی نوشته ی از پیش آماده شده گواهی دهند، ضمن اعتقاد به ابلاغ قرار استجواب، ابلاغ سوالات موضوع پاسخ خواهی را لازم ندانسته اند.^{۳۰}

این عقیده به نظر قابل دفاع می رسد، زیرا که قرار دادن پرسش خواننده در فضای دادگاه ممکن است به حصول اقرار یا امارات یا قرائن منتج شود ولی با ابلاغ سوالات از قبل به پرسش خواننده، دستیابی به این مهم کم رنگ می شود.

نکته ی مهم دیگر، عدم استفاده ی پرسش خواننده از هر گونه نوشته و متن از پیش تنظیم شده است. چون چنین چیزی، بر خلاف هدف و فلسفه ی استجواب است و موجب می شود که پرسش خواننده با پاسخ از پیش تعیین شده، احتمال هرگونه اعتراف و تناقض گویی در گفتار خود را که ممکن بود به واسطه ی فضای حاکم بر دادرسی پیش بیاید از بین ببرد و جلسه ی استجواب نتیجه ای به دنبال نداشته باشد.

ماده ۲۳۰ ق.ا.م.م لبنان بیان می کند که «طرف دعوایی که مورد بازجویی قرار گرفته، خودش به سوالات مطرح شده جواب می دهد، بدون اینکه بخواهد بنویسد».^{۳۱}

در حقوق ایران هم با وحدت ملاک از قوانین حاکم بر گواهی، پاسخ به سوالات مطروحه را از روی هرگونه نوشته و متن تعیین شده ای را منع می کند.

۳-۵- امکان احضار اشخاص غیر از پرسش خواننده به جلسه ی استجواب:

۲۹- ابوعید، الیاس، همان، ص ۳۳۳

۳۰ - Interrogatoire Sur faits et articles به نقل از متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات

مجد، چاپ اول، ۱۳۷۸، ج ۲ ص ۳۹۵

۳۱ - «يجب الخصم المستوجب بنفسه ی علی الاسئلة المطروحه دون استعانه بكتابه».

اصولا حضور پرسش خواننده در جلسه ی استجواب لازم و ضروری نیست مگر اینکه خود درخواست نموده باشد و باینکه سوالاتی را آماده کرده باشد تا از طریق دادگاه از پرسش خواننده بپرسد.

چنانچه دادرس، حضور پرسش خواننده را جهت مواجهه حضوری با پرسش خواننده لازم و ضروری بداند، این نکته را در اخطاریه قید می کند و پرسش خواه مکلف به حضور است.

ماده ۲۲۶ق.ا.م.م لبنان نیز حضور پرسش خواه را اصولا لازم ندانسته مگر در موارد مواجهه یا به درخواست یکی از طرفین دعوا.^{۳۲}

گاهی اوقات بنا به دلایلی از قبیل تخصصی و فنی بودن موضوع، ضروریست که استجواب در حضور شهود یا کارشناس فنی انجام گیرد، در چنین مواردی جلسه ی استجواب با حضور آن ها انجام می شود.

ماده ۲۲۷ق.ا.م.م لبنان نیز، استجواب در حضور کارشناس فنی و شهود را پذیرفته است.^{۳۳}

قانون گذار فرانسه در ماده ۱۸۹ به طور مبسوط به ذکر جزئیات در این زمینه پرداخته است «از طرفین می توان یکی پس از دیگری پرسش نموده مگر اینکه اوضاع و احوال، پرسش جداگانه از آن ها را ایجاب نماید. اگر یکی از طرفین تقاضا کند، آن ها باید مواجهه حضوری شوند. هنگامی که حضور شخصی یکی از طرفین مورد دستور قرار گرفته، از او در حضور دیگری پرسش می شود مگر اینکه اوضاع و احوال فوری بودن پرسش یا پرسیدن بدون حضور وی را ایجاب کند، با این شرط که طرف غایب بلافاصله از آنچه او بیان کرده، مطلع شود. عدم حضور یکی از طرفین مانع استماع اظهارات دیگری نیست».

در حقوق ایران، مواجهه حضوری به عنوان یک روش کارآمد تحقیقی در آ.د.ک در ماده ۱۵۱ مطرح است. اما در ق.آ.د.م حکم صریحی در این خصوص دیده نمی شود. بدون شک واژه های اقدام و تحقیق مندرج در ماده ۱۹۹ فقط شامل تحقیق از اصحاب دعوا نبوده و اقدامات دادرس در جهت کشف حقیقت، از جمله مواجهه پرسش خواننده با گواه و یا پرسش از وی در حضور کارشناس فنی و خبره را شامل می شود.

۶- آثار استجواب:

استجواب نیز چون یکی از ادله ی تحقیقی محسوب می شود، در نتیجه همانند سایر نهادهای تحقیقی دارای آثاری می باشد. این آثار در دو قسمت آثار ناشی از حضور پرسش خواننده و آثار ناشی از عدم حضور او قابل بررسی است.

۱-۶- آثار استجواب در صورت حضور پرسش خواننده در جلسه ی استجواب: آثاری که از حضور پرسش خواننده در جلسه ی استجواب به دست می آید همیشه اقرار نیست و نسبت به واکنش پرسش خواننده، این آثار متفاوت است.

^{۳۲} - «يجرى استجواب الخصم بحضور خصمه ما لم تقتض الظروف كل منها بغياب الاخر و تحصل مقابله بعد ذلك بنا على طلب احدهما او اذا رات المحكمة ضرورة لذلك...»

^{۳۳} - «يجوز الاستجواب الخصوم بحضور خبير فنى. كما تجوز مقابلتهم مع الشهود.»

الف) حضور پرسش خواننده، پاسخ به سوالات و حصول اقرار یا قرائن قضایی:

بهترین حالت ممکن از حضور شخص پرسش خواننده در جلسه ی استجواب و پاسخ به سوالات، حصول اقرار است. چون این اقرار یک اقرار قضایی است، رای صادره ی مستند به آن غیر قابل تجدید نظر و فرجام خواهی است. همچنین اقرار قضایی به استناد ماده ۱۲۸۲ق.م بر خلاف اقراری که در خارج از دادگاه صورت می گیرد، غیر قابل تجزیه بوده و مقرر له نمی تواند آن را تجزیه نموده و قسمتی که به نفع اوست را بپذیرد و از قسمتی که به ضرر اوست چشم پوشی کند.

در حقوق کشور لبنان، نیز وضعیتی مشابه حاکم است و حوquadانان عرب^{۳۴}، هدف اصلی استجواب را حصول اقرار عنوان نموده اند. بنابراین در صورت حضور پرسش خواننده در جلسه ی استجواب و حصول اقرار، اقرار قضایی محسوب شده و اقرار قضایی حجت قاطع و مضمول اصل عدم تجزیه است.

اما در فرضی که پرسش خواننده نسبت به قسمتی از وقایع اقرار و قسمت دیگر را انکار نماید، مطابق اصل عدم تجزیه اقرار قضایی، قسمت اقرار شده اثبات و قسمت دیگر تابع قواعد مربوط به انکار است (م ۱۲۸۲ق.م).

حقوق کشور لبنان در حالت اقرار مبهم و مجمل، در صورت عدم تفسیر اقرار از جانب پرسش خواننده، ارزش اثباتی آن را در حد قرینه قضایی دانسته و به اعتبار اینکه این اقرار نزد قاضی صورت گرفته «شروعی برای ثبوت نوشتاری» قلمداد کرده اند.^{۳۵}

ماده ۲۳۴ق.ا.م لبنان در این زمینه بیان داشته «اگر پاسخ خواهی منجر به اقرار نشود، می توان با شروع دلیل کتبی یا قرینه ای ساده از آن رهایی پیدا کرد».^{۳۶}

ب) حضور پرسش خواننده و عدم پاسخ به سوالات مطروحه:

گاهی اوقات ممکن است که پرسش خواننده در جلسه پرسش خواهی حضور پیدا کند اما به سوالات پاسخ ندهد که این فرض در دو حالت قابل بررسی است. ۱- عدم پاسخ گویی پرسش خواننده به سوالات با عذر مشروع ۲- عدم پاسخ گویی پرسش خواننده به سوالات بدون عذر مشروع

۲-۶- عدم پاسخ گویی پرسش خواننده به سوالات با عذر مشروع:

گاهی ممکن است پرسش خواننده از پاسخ به سوالات امتناع ورزد به دلایلی از قبیل اینکه از نظر وی، موضوع پرسش خواسته با دعوا ارتباط ندارد و یا اینکه موضوع از مواردی است که استجواب در آن جایز نیست، در این صورت دادگاه رسیدگی کننده دلایل امتناع را بررسی نموده، اگر دلایل را وارد دانست که به پرسش و پاسخ ادامه نداده ولی در صورتی که دلایل امتناع پرسش خواننده را وارد نداند، پرسش خواننده مکلف و ملزم به پاسخ گویی است.

۳۴- الشورابی، عبدالحمید، همان، ص ۸۷۲

۳۵- همان

۳۶- «اذا لم یود الاستجواب الی اقرار، جاز ان تستخلص منه بدائه بینه خطیه او قرینه بسیطه»

۳-۶- عدم پاسخ گویی پرسش خواننده به سوالات بدون عذر مشروع:

گاهی ممکن است پرسش خواننده در جلسه ای که به منظور استجواب تشکیل شده حضور یافته اما بدن هیچ عذر مشروعی به سوالات پاسخ ندهد، ماده ۲۳۲ق.ا.م.ا.م. لبنان امتناع پرسش خواننده از پاسخ گویی را مجوزی دانسته تا دادگاه وقایع موضوع استجواب را معتبر بداند.^{۳۷}

قانون گذار فرانسه در این مورد به دادرس این اختیار را داده است که هر نتیجه ی حکمی را از این امتناع اخذ کرده و حتی آن را به منزله ی اقامه ی دلیل کتبی تلقی کند.

ماده ۱۹۸ ق.آ.د.م. فرانسه در این خصوص بیان داشته «دادرس می تواند به تمامی نتایج حقوقی اعلامات طرفین یا عدم حضور یا امتناع از پاسخ گویی یکی از آن دو توجه نموده و آن را برابر با قرینه ی مثبت قلمداد نماید».

چنین وضعیتی به طور صریح در حقوق ایران پیش بینی نشده است، اما با وحدت ملاک از مواد ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۲۴ ق.آ.د.م می توان گفت که قانون گذار دادگاه را مجاز دانسته تا این رفتار ممتنع را قرینه مثبت بداند.

۷- آثار ناشی از عدم حضور پرسش خواننده:

گاهی ممکن است عدم حضور پرسش خواندن در جلسه ی استجواب به دلیل عذر مشروع باشد و گاهی بدون هیچ دلیل شرعی و قانونی صورت می گیرد.

۷-۱- آثار ناشی از عدم حضور پرسش خواننده به دلیل عذر مشروع:

هرچند ماده ۴۱ ق.آ.د.م. ایران در مورد عذر مشروع وکیل مقرر شده، اما آن را در مورد پرسش خواننده نیز می توان مجری دانست. در صورتی که پرسش خواننده به دلیل عذر مشروع در جلسه ی استجواب حضور نیابد دادگاه می تواند به دو صورت عمل کند.

۱- دادگاه می تواند یکی از دادرسان را به نیابت به محل اقامت پرسش خواننده بفرستد.

۲- دادگاه می تواند به خاطر عذر مشروع جلسه ی استجواب را تجدید نماید.

ماده ۲۲۴ قانون ا.م.ا.م. لبنان نیز همین دو راه حل را پذیرفته است. «اگر طرف دعوا عذری داشته باشد که مانع حضور او در دادگاه شود، دادگاه می تواند استجواب را به یکی از قضات خود بسپارد تا در حضور طرف دیگر دعوا، استجواب انجام شود».^{۳۸}

^{۳۷} - «إذا تخلف الخصم... او امتنع عن الاجابه بغير محرر قانونی جاز للمحکمه ان تتخذ من هذا التخلف او الامتناع مسوغا لاعتبار الوقایع التي تقرر استجوابه عنها ثابتة».

^{۳۸} - «إذا كان الخصم عذر يمنعه من الحضور بنفسه امام المحکمه للاستجواب، جاز للمحکمه ان تنتدب احد قضاتها لاستجوابه بحضور الخصم الاخر».

۲-۷- آثار ناشی از عدم حضور پرسش خواننده بدون عذر مشروع:

گاهی ممکن است که پرسش خواننده بدون عذر مشروع در جلسه ی استجواب حضور نیابد.

این موضوع در حقوق کشور لبنان، مشابه وضعیتی دانسته شده که پرسش خواننده در جلسه حضور یافته اما بدون عذر مشروع از پاسخ به سوالات خودداری می کند. ماده ۲۳۲ ق.ا.م.ا لبنان عدم حضور پرسش خواننده بدون عذر مشروع و همچنین امتناع شخص از پاسخ به سوالات را دلیل بر صحت وقایع موضوع استجواب دانسته است.

اما در حقوق ایران به نظر می رسد که با وحدت ملاک از مواد ۹۵، ۹۶، ۲۰۹، ۲۱۰ و ۲۲۴

باید بین فرضی که پرسش خواننده ی بدون عذر مشروع، خواهان است با فرضی که پرسش خواننده ی بدون عذر مشروع خواننده ی دعوا است، قائل به تفکیک شد. با این توضیح که اگر پرسش خواننده ی بدون عذر، خواهان است و دادخواست او مستند به ادله ی دیگری نباشد، دادخواست وی ابطال گردد. اما اگر پرسش خواننده ی بدون عذر مشروع، خواننده ی دعوا باشد، امتناع او را می توان قرینه ی مثبت بر صحت ادعای پرسش خواه تلقی نمود.

نتیجه گیری

استجواب یا بازجویی مدنی اقدامی است قضایی که بر اساس آن دادرسی مدنی در مقام کشف حقیقت از طرفین دعوا یا یکی از آن دو در رابطه با موضوع دعوا و جوانب آن پرسش هایی را مطرح نموده و واکنش یا پاسخ آنان را در اثبات یا رد دعوا لحاظ می کند.

در نظام های حقوقی مختلف برای دادرسی دو نقش متفاوت در نظر گرفته شده است، نقش فعال و نقش انفعالی دادرسی. به عبارت دیگر برحسب نقشی که برای دادرسی قائل شویم، چگونگی تحصیل دلیل و کشف حقیقت متفاوت می شود.

قانون گذار ایران که ابتدا نظام ادله ی مقید را پذیرفته بود با پیش بینی دلایل تحقیقی، از نظام ادله ی مقید فاصله گرفته و نظام مختلط را پذیرفته است که در آن اقناع وجدان قاضی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدون شک، این علم واقناع وجدان دادرسی، حاصل نمی شود مگر با توجه به ادله ی تحقیقی از قبیل استجواب.

استجواب به عنوان یک دلیل تحقیقی-تکمیلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تحقیقی از این بابت که سعی دارد، حقایق و امور موضوعی را از طریق پرسش از اصحاب دعوا نمایان سازد و تکمیلی است از آن جهت که در تکمیل ادله ی دیگر مطرح می شود.

به نظر می رسد که استجواب از اصحاب دعوا در جهت کشف حقیقت برای دادگاه، یک تکلیف است. با این توضیح که قانون گذار در بند ۵ ماده ۳۷۱ ق.ا.د.م ضمانت اجرای عدم انجام تحقیقات و اقدامات لازم جهت کشف حقیقت یا نقص این گونه تحقیقات را موجب نقض رای در مرحله ی فرجام دانسته است. بدیهی است که دادگاه تجدید نظر نیز در صورتی که روند رسیدگی، انجام تحقیقات لازم از جمله استجواب از طرفین دعوا را نیاز داشته، اما دادگاه بدوی به آن

ترتیب اثر نداده است، خود راسا مبادرت به انجام استجواب نموده و یا اینکه با تلقی نمودن حکم صادره به عنوان قرار، انجام آن را به دادگاه بدوی محول می نماید.

یکی از علل اساسی که به استجواب در حقوق ایران، هنوز به صورت نظام حقوقی فرانسه و لبنان توجه نشده، قاعده ی منع تحصیل دلیل است. نبود نصوص صریح قانونی در این زمینه و وجود سابقه ی تاریخی قاعده ی منع تحصیل دلیل، باعث شده که بعضا رویه قضایی ماده ی ۱۹۹ق.آ.د.م را تفسیر مضیق نموده و دایره ی اجرای استجواب را صرفا محدود به ادله ی موجود در پرونده نمایند. اما به نظر می رسد که قاعده ی منع تحصیل دلیل، نمی تواند مانع از انجام استجواب شود، چون که این قاعده با تصویب ماده ی ۸ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ نسخ ضمنی شده است.

اثر استجواب در بهترین حالت، حصول اقرار قضایی است. اما در حالات دیگر ممکن است استجواب به حصول قرائن یا امارات قضایی منتج شود که می تواند موجب اقناع وجدان دادرس در کنار ادله ی دیگر شود. در نهایت، چون استجواب به طور صریح در قوانین مدون ما پیش بینی نشده و توسط دکترین هم مورد شرح و تبیین قرار نگرفته است، از قانون گذار انتظار می رود که همانند کشور های فرانسه و لبنان که مقررات دقیق و روشنی در رابطه با استجواب پیش بینی نموده اند به قانونگذاری در این مهم اقدام نماید.

منابع:

- ۱- فرهنگ عربی فارسی، ترجمه کتاب المعجم العربی (تالیف خلیل جر)، ترجمه حمید طبیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳-۱۳۶۵
- ۲- الیاس ابو عید، اصول المحاکمات المدنیه، الجزء الثانی، منشورات الحلبي الحقوقی، الجلد الاول، ۲۰۰۳ میلادی
- ۳- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد ۱، نشر میزان، چاپ چهارم ۱۳۸۵.
- ۴- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ج ۶، چاپ سیزدهم، تهران ۱۳۷۶..
- ۵- لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف علوم اسلامی قضایی، نشر گنج دانش، ج ۲، چاپ سوم ۱۳۸۱.
- ۶- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱.
- ۷- دولتشاهی، فتح الله، اقرار در حقوق مدنی ایران، انتشارات تابان، ۱۳۴۲
- ۸- العبودی، عباس، شرح الاحکام الاثبات المدنی.
- ۹- الشورابی، عبدالحمید، تعلیق الموضوعی علی قانون الاثبات، منشاء المعارف بالاسکندریه، مصر ۲۰۰۱ م.
- ۱۰- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، انتشارات دراک، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷.
- ۱۱- کریمی، عباس آیین دادرسی مدنی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۲- العبودی، عباس، شرح الاحکام قانون البینات الجدید، نشر دارالثقافه، طبعه الاولی ۲۰۰۴.

۱۳- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات مجد، چاپ اول ۱۳۷۸.

۱۴- کریمی، عباس و پوراستاد، محید، «استجواب در دعاوی مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۸۵.

قوانین :

قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹

قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۱۸

قانون اصول محاکمات حقوقی، مصوب ۱۲۹۰

قانون تسریع محاکمات حقوقی، مصوب ۱۳۰۹

قانون مدنی ایران

قانون اصول المحاکمات مدنی الجدید البنان، برگرفته از سایت، www.ar.jurispedia.org

قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه برگرفته شده از کتاب دکتر عباس کریمی و پروفیسور لوئییک کادیه